

تبیین عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی و اعتبار سنجی آن

عباس شفیعی

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

در این پژوهش با هدف تبیین عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی، عناصر، نمادها و شاخصهای آن با بهره‌گیری از روش اجتهادی واکاوی شده سپس با استفاده از روش خبرگان اعتبارسنجی انجام پذیرفته است یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عناصر مزبور شامل خداگرایی، (مشمتمل بر نمادها و شاخصهایی همچون ارتباط با خدا در قالب درخواست توأم با رغبت و رهبت، ارتباط با خدا در قالب درخواست حل مشکلات شخصی، ارتباط رهبر با خدا با ندامت از کردار گذشته و ارتباط رهبر با خدا در قالب درخواست نفرین به نیروهای طاغی، (آخرت‌گرایی (مشمتمل بر نمادها و شاخصهایی همچون خوف و خشیت الهی، اعلان صریح مواضع خود در قبال روش منکران، بیم و امید و شوق به پاداش) و تکلیف‌گرایی (مشمتمل بر پافشاری بر تکلیف، حریص بودن رهبر به هدایت نیروها، رؤوف بودن رهبر نسبت به نیروها، اظهار ناراحتی عاطفی نسبت به مشکلات نیروها) است خداگرایی به معنای برقراری مستمر ارتباط عاطفی با خداوند از جهت امید و شوق به پاداش الهی یا بیم و خشیت از غضب الهی است؛ آخرت‌گرایی، به مفهوم گرایش و میل به آخرت با خوف و خشیت از سختیها و شرور روز قیامت از سویی و شوق به پاداش و بهشت از طرف دیگر است؛ در تکلیف‌گرایی، رهبران الهی در صدد تحقق اوامر و نواهی الهی اند، رهبران با حرکت در این مسیر مآلاً خود به عبودیت دست یافته و نیروهای سازمانی را به عبودیت قرین می‌سازند

واژه‌های کلیدی: عاطفه توحیدی، رهبری اسلامی، خداگرایی، آخرت‌گرایی، تکلیف‌گرایی، عبودیت

۱- مقدمه

رهبری اسلامی در عصر حاضر، تداوم بخش اسلام ناب و آرمانهای آن و همه ادیان الهی و رمز شکوفایی باورها و ارزشهای معنوی در میان امت اسلامی است؛ چه اینکه، تاثیر این باورها در قوام و استمرار حیات امت اسلامی در سطح کلان و سازمانهای دینی در سطح خرد مرهون نفحات معنوی رهبران الهی خواهد بود؛ این تاثیر گذاری، به جهت اتصال رهبری الهی با منبع و سرچشمه وحی است؛ اتصال به سرچشمه وحی و خالق هستی در چارچوب عاطفه توحیدی برای رهبران در پوشش خداگرایی، آخرت گرایی و تکلیف گرایی قابل تفسیر بوده که مدیران و رهبران با قرار گرفتن در این مسیر و استمرار آن به عبودیت و بندگی خدا دست می یابند

بیان مساله

اصولا تاثیرگذاری معنوی رهبران الهی در گرو ارتباط آنان با منبع لایزال الهی است؛ این ارتباط و اتصال به خالق هستی، می تواند در قالب خداگرایی، آخرت گرایی و تکلیف گرایی صورت گرفته و ارتباط عاطفی را میان آنان و خداوند معنا دار سازد؛ در این مقاله با هدف تبیین عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی، در صدد بیان چگونگی ارتباط عاطفی رهبران با خالق هستی بوده و بدین سان، بررسی آن وجهه همت قرار گرفته و نمادها و شاخصهای مهم آن واکاوی می گردد. لذا پرسش پژوهش حاضر این است که: منظور از عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی چیست؟ به منظور پاسخگویی به این سؤال، ممکن است این سؤال مطرح شود که عناصر عاطفه توحیدی و نمادها و شاخصهای آن کدام است؟ بدیهی است که با پاسخ به سؤالات فوق می توان به تبیین عاطفه توحیدی دست یافت؛ اما قبل از آن، به بیان نوع و روش تحقیق، روش انجام آن و شیوه تجزیه و تحلیل و روش و ابزار گردآوری اطلاعات پرداخته می شود

نوع و روش تحقیق

این تحقیق، یک تحقیق نظری است که از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است برای اجرای پژوهش لازم است از روشی استفاده شود که با هدف و ماهیت موضوع تناسب داشته باشد در این پژوهش با توجه به موضوع آن و جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش با توجه به هدف پژوهشی از روش اجتهادی استفاده خواهد شد، چه اینکه انتخاب روش تحقیق بستگی به هدفها، ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد (نادری و سیف نراقی ۱۳۷۲ ص ۵۹) از اینرو، انتخاب روش اجتهادی با موضوع و هدف تحقیق تناسب دارد اجتهاد در لغت از ریشه جهد به معنای به کارگیری نهایت توان که با مشقت و سختی همراه است (رک ابن فارس ج ۱ ص ۴۸۶) «اجتهاد در عرف و اصطلاح فقیهان به معنای بذل جهد و تلاش در کشف احکام شرعی از ادله و منابع شرع است» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۸۰). مرحوم خویی در تعریفی اظهار می دارد که اجتهاد به معنای تحصیل بالفعل حجت (منجز یا معذر) بر حکم شرعی است (خویی ۱۴۰۹ ج ۳ ص ۱۰) با توجه به مفهوم اجتهاد می توان متدلوژی اجتهادی را شیوه استنباطی نخبگان علمی با استفاده از منابع دینی در حوزه علمی خاص تعریف کرد از اینرو در حوزه مدیریت و رهبری شیوه استنباطی متخصصان علمی مدیریت دینی روش شناسی اجتهادی نامیده می شود که به دو صورت مستقیم (اصطیاد از منابع اسلامی) و غیر مستقیم (استفاده از انظار متخصصان دینی) انجام می پذیرد

روش انجام پژوهش

۱- ابتدا با بررسی و مطالعه موضوع تحقیق در متون دینی، فیش های متعددی احصاء گردید، این بررسی در باره عناصر و نمادها و شاخصهای مرتبط در گزاره های دینی انجام و گزاره های مربوطه جمع آوری و سپس گزاره های مرتبط بعد از طبقه بندی، با بهره گیری از روش اجتهادی جمع بندی و تحلیل شده و در نتیجه مفاهیم و مضامین مرتبط استحصال شد

۲- به منظور دستیابی به هدف تحقیق، گزاره های مرتبط با موضوع جمع آوری و عاطفه توحیدی به عنوان مضمون فراگیر مشخص گردید

۳- گزاره های اسلامی مرتبط پس از دسته بندی موضوعی به مضامین سازمان دهنده تبدیل و نهایتا با تحلیل گزاره های دینی، مضامین اصلی در قالب نمادها و شاخصها استحصال شد بدیهی است که جهت اصطیاد مضامین مرتبط با نمادها و شاخصها در تحلیل گزاره های دینی از انظار دانشمندان اسلامی استفاده گردید، بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده

های تحقیق به سؤالات پژوهش پاسخ داده شد، انتخاب کتاب الهی (قرآن) به عنوان محتوای مورد تحلیل با این هدف صورت گرفت که موضوع مزبور صرفاً با تکیه بر کلام وحی و منابع وحیانی شناسایی شود تا به واقعیت امر منطبق باشد و بدین ترتیب از منبع موثق و دست اول جهت دستیابی به هدف تحقیق استفاده گردد

۴- پس از استخراج مضامین اصلی، اعتبارسنجی با بهره‌گیری از روش خبرگان انجام می‌شود

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات

تکنیک یا فن تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده روشی تحلیلی - منطقی است، چه اینکه، برای تحلیل داده‌های بدست آمده از کتاب الهی از روش اجتهادی که تحلیل متون اسلامی را در بر دارد، بهره‌گرفته می‌شود البته این روش می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با مراجعه به استنتاجات علمی متخصصان متون اسلامی صورت پذیرد

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، جهت گردآوری اطلاعات از روشهای زیر استفاده می‌شود:

- ۱- یکی از روشها، روش کتابخانه‌ای است، بدین سان، جمع‌آوری اطلاعات مربوطه از منابع اسلامی با مراجعه مستقیم و غیرمستقیم انجام گرفته و داده‌ها استخراج می‌گردد
 - ۲- مشاوره و نظرسنجی از صاحب نظران و محققان و استادان علوم دینی و مدیریت
 - ۳- بهره‌گیری از نظرات اکتشافی برخی از اعظام و فرهیختگان و مجتهدان حوزوی
- ابزار گردآوری اطلاعات، فیش برداری از کتب و نوشته‌های اسلامی است که پس از جمع‌آوری اطلاعات و طبقه‌بندی آنها، برای هر موضوعی، متنی انتخاب و در تایید آن، متونی دیگر آورده می‌شود؛ بدین سان، فیش‌های متعددی از موضوع اصلی و موضوعات فرعی تحقیق آماده و طبقه‌بندی می‌شوند؛

جامعه و نمونه آماری

تمامی آیات قرآن می‌باشد نمونه‌ها، گزاره‌های مرتبط با موضوع تحقیق است که به صورت قضاوتی انتخاب شده‌اند

تعریف رهبری

محققان برای رهبری تعاریف متعددی ارائه نموده‌اند، اما به طور قاطع هیچ کدام از آنها مورد توافق و پذیرش عام قرار نگرفته است. "رالف استاگ دیل" ۱ در تحقیقی که بر روی تئوریهای رهبری انجام داد، به این نتیجه رسید که به تعداد افرادی که می‌خواستند تعریفی از رهبری ارائه دهند، تعریف برای رهبری وجود دارد. (استونر، ۱۹۹۲، ص ۴۷۲) برخی از اندیشمندان، رهبری را با نفوذ برابر می‌دانند و معتقد هستند که «رهبری، هنر یا فرایند نفوذ بر مردم است، طوری که از روی میل و اشتیاق در جهت دست‌یابی به هدفهای گروه تلاش کنند» (کونتزو دیگران، ۱۹۹۰، ص ۳۹۷). عده‌ای نیز در تعریف رهبری معتقد هستند که «رهبری به عنوان یک فرایند، عبارت است از قدرت استفاده از نفوذ بدون اجبار، برای هدایت و هماهنگ کردن فعالیتهای اعضای گروه، به منظور دست‌یابی هدف». (مورهد و گریفین، ۲۰۰۱، ص ۳۳۴) آنچه از ادبیات علمی بدست می‌آید این است که نفوذ نقطه اشتراک در تعاریف رهبری است

مفهوم رهبری اسلامی

مفهوم رهبری در اسلام با مفهوم علمی در ادبیات کلاسیک متمایز است؛ واژه معادل رهبر و رهبری، امام و امامت است؛ واژه امام در کتب لغت تعبیر به شاقول یا ریسمان کار شده است که بنایان با آن اندازه می‌گیرند تا دیوار راست آید (راغب اصفهانی، ذیل واژه) امام راهنمایی است که مسافران در تاریکی شب در پی او راه را طی می‌کنند (شیخ صدوق، ص ۹۶)، در گزاره‌های اسلامی بر واژه‌هایی همچون هدایت نیروها به جای نفوذ تاکید شده و وظیفه رهبر تبشیر و انداز دانسته شده است (مریم ۴۳، بقره ۱۱۹، فرقان ۵۶، انعام ۴۸، کهف ۵۶) در تعبیر امام علی (ع) رهبر و امام رشته‌ای است که مرواریدها را در کنار همدیگر قرار داده و آنها را باهم یکسان می‌سازد (نهج البلاغه خ ۱۴۶) شهید مطهری در تعریف رهبری اسلامی بیان داشته

1. Rolph M. Stagdill.

اند که رهبری عبارت است از بسیج کردن نیروی انسانها و بهره برداری صحیح از نیروهای انسانی (مطهری، ۱۳۸۰ ج ۳، ص ۳۱۴) در تمامی این تعبیر الگو و پیشوا و مقتدا بودن به عنوان نقطه مشترک است و وظیفه امام راهنمایی و هدایت است و رهبری فرایند هدایت نیروها به امر الهی است (انبیاء، ۷۳) که در آن تبشیر و انذار صورت می گیرد از گزاره های دینی استفاده می شود که امامت و رهبری ناظر به اجرا بوده و به تشکیلات و اجراء برنامه ها مربوط می شود (مکارم شیرازی، ص ۴۹۵) بدیهی است که تشکیلات و اجراء برنامه ها در سطوح مختلف سازمانی معنا دار بوده و مشتمل بر رهبری سازمانی نیز است

مفهوم عاطفه توحیدی

منظور از عاطفه توحیدی، رابطه عاطفی رهبر یا پیرو با خالق هستی در دایره توحید الهی است؛ بدین سان، رابطه عاطفی مشتمل بر خداگرایی (امید و بیم از خدا)، آخرت گرایی (شوق به بهشت و ترس از جهنم) و تکلیف گرایی (تعهدگرایی محض) است. با توجه به این مفهوم، رهبران الهی قبل از اقدام به امر هدایت، نخست باید خود به ارتباط با خالق هستی اهتمام ورزیده و به اهتداء رسیده و هدایت یافته باشند چنانچه در گزارش قرآن، انبیاء الهی هدایت یافته خوانده شده و خداوند از پیامبر اسلام می خواهد که به هدایت آنان اقتدا کند، آنجا که می فرماید: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدِيمِهِمُ اقْتَدِهْ» (انعام، ۹۰) رهبران توحیدی کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده پس (ای پیامبر) به هدایت آنان اقتداء کن خاطر نشان می شود که این موضوع برای تمامی انبیاء الهی عینیت داشته است برای مثال در گزاره های اسلامی از ذریه آدم (ع) همراهان نوح و ذریه ابراهیم و یعقوب (مریم ۵۸) و نوح و داود و سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس، اسماعیل، یسع، یونس، لوط نام برده شده است (انعام، ۸۴-۸۶) از گزاره های دینی استفاده می شود که آنان بعد از ایمان و ارتباط با خالق هستی، رشد یافته و هدایت شده (انعام، ۸۲)، سپس نیروهای خود را به سوی خالق هستی سوق داده و ارتباط آنها را با خداوند برقرار می کنند، بدین سان، نیروها در پرتو هدایت و رشد معنوی قرار گرفته و به تعالی ایمانی دست می یابند

عناصر عاطفه توحیدی

الف - خداگرایی

یکی از عناصر مهم عاطفه توحیدی، خداگرایی است. خداگرایی به معنای برقراری مستمر ارتباط عاطفی با خداوند از جهت امید و شوق به پاداش الهی یا بیم و خشیت از غضب الهی است؛ بنابراین، در خداگرایی رابطه عاطفی برقرار می گردد لکن این رابطه می تواند به امید و شوق و یا بیم و خشیت باشد این مفهوم از خداگرایی در باره رهبران و پیروانی صادق است که در پنهان و دل خود نسبت به خدا خشیت دارند (فاطر، ۱۸)؛ با این تصویر از خداگرایی، دیده می شود که میل فطری بشر در جهت خداگرایی است و این مقوله در کوران حوادث و مشکلات زندگی خود را نشان می دهد؛ چرا که هر فردی در زمان گرفتاری به طور طبیعی به سوی قدرتی مافوق قدرتها چنگ زده و حل مشکلات خود را طلب می کند (یونس ۲۱ و ۲۲) رهبران الهی در مسیر خداگرایی به انگیزه ها، پاداشهای مادی و معنوی اشاره کرده و نیروها را تبشیر و انذار می کنند (انعام ۴۸)، خداوند متعال خطاب به پیروها و پیروان بشارت می دهد که اگر آنها به رهبران الهی ایمان آورده و رابطه خود را با خدا اصلاح کنند هیچگونه ترس و بیمی در دل نداشته باشند (همان)

نمادها و شاخصهای خداگرایی

۱. ارتباط با خدا در قالب درخواست توأم با رغبت و رهبت

الگوی خداگرایی حضرت ذکریا (ع)

یکی از رهبران بزرگ الهی که مشکلات خود را بر مبنای خداگرایی با خالق هستی در میان گذاشت و در ارتباطی عاطفی حل آن را از خداوند مسئلت نمود حضرت ذکریا (ع) بود؛ چه اینکه، سالها بر آن رهبر الهی گذشت و برف پیری بر او نشست ولی هنوز فرزندی نداشت از سوی دیگر همسر وی نازا بود او در آرزوی فرزندی بود که بتواند برنامه های الهی وی را تعقیب کرده و نگذارد که فرصت طلبان بنی اسرائیل بر اموال و موارث الهی چنگ اندازند، لذا با خالق هستی رابطه ای عاطفی برقرار نمود و خواسته اش را مطرح ساخت در گزارش قرآن چنین آمده است: «وَذَكَرْنَا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ» (انبیاء ۸۹) ذکریا را یاد کن آنگاه که پروردگارش را ندا داد (با خالق خود رابطه عاطفی برقرار ساخت) که: پروردگارا مرا تنها

مگذار (و فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما که البته) تو از بهترین وارثان هستی خداوند نیز به ارتباط عاطفی وی پاسخ داده و دعای او را مستجاب نمود چنانچه آمده است که: «فاستجبنا له ووهبنا له یحیی و اصلحنا له زوجه» (همان، ۹۰) پس دعای او را مستجاب کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و همسرش (که نازا بود) را شایسته گردانیدیم اگر سؤال شود که چرا در زمان پیری آن رهبر الهی و با اینکه همسر آن حضرت، نازا بود خداوند عنایت کرده و به او فرزند صالحی چون یحیی را بخشید؟ در گزارش قرآن علت این همه لطف الهی در خداگرایی این خانواده دانسته شده است چنانچه آمده است: «انهم كانوا یسارعون فی الخیرات و یدعوننا رغبا و رهبا و كانوا لنا خاشعین» (همان) همانا آنان دائما در کارهای نیک شتاب داشتند و ما را از روی امید و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن و خاشع بودند طبیعی است که خداگرایی و ارتباط با خدا و خواندن از روی رغبت و رهبت در هنگام بروز مشکلات می تواند برای مدیران و رهبران سازمانها و نیروهای مؤمن کارساز بوده و به حل مشکلات آنان بینجامد

۲. ارتباط رهبر با خدا در قالب درخواست حل مشکلات شخصی

الگوی خداگرایی حضرت ایوب (ع)

حضرت ایوب(ع) پیامبری است که در قرآن به خاطر صبر زیادش به دریافت نشان صبر مفتخر گشته است (ص، ۴۴)، آن حضرت بعد از ابتلا به مشکلات شخصی و بیماریهای سخت با خدای خویش رابطه عاطفی برقرار کرده و خداگرایی خود را به نمایش می گذارد و در این مسیر صبر پیشه کرده و به مقام عبودیت نائل می گردد (همان) در گزارش قرآن خداگرایی حضرت ایوب(ع) با ایجاد رابطه عاطفی از سوی آن حضرت آغاز گردیده و این ارتباط از سوی خالق با استجاب دعای وی تکمیل می شود آنجا که خداوند فرمود: «و ایوب اذ نادى ربه انى مسنى الضر و انت ارحم الراحمین» (انبیاء ۸۳) و به یاد آور ایوب را آن زمان که پروردگارش را ندا داد (رابطه عاطفی برقرار کرد) که همانا به من آسیب رسیده و تو مهربانترین مهربانانی و بلا فاصله از سوی خالق ارتباط عاطفی ایوب پاسخ داده می شود که: «فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر و آتیناه اهلہ و مثلهم معهم رحمہ من عندنا و ذكرى للعابدين» (انبیاء ۸۴) پس دعای او را مستجاب کردیم و سختی او را برداشتیم (مشكلش را حل کردیم) و خانواده اش را به او برگردانیدیم و همانندشان را نیز با ایشان همراه کردیم تا هم رحمتی از سوی ما به او و هم تذکر و یادآوری برای عبادت کنندگان باشد

۳. ارتباط رهبر با خدا با ندامت از کردار گذشته

الگوی خداگرایی حضرت یونس (ع)

حضرت یونس (ع) معروف به صاحب حوت یا «ذوالنون» یکی از رهبران بزرگ الهی است که سالهای زیادی مردم منطقه نینوا در عراق را به توحید دعوت نمود، لکن تنها دو نفر به وی ایمان آوردند یکی شخصی عابد و دیگری عالم بود زمانی که آن حضرت وضع را اینگونه دید به پیشنهاد شخص عابد بر آنان نفرین کرد و به محض اینکه آثار بلایا مشاهده نمود بدون کسب اجازه الهی آن منطقه را با خشم ترک کرد، بدین گمان که از دست آن مردم جاهل آسوده شده است اما نمی دانست که خداوند بخاطر این ترک اولی، زندگی را بر وی سخت خواهد کرد وقتی به سوی دریا رفت و سوار بر کشتی شد در میانه راه ناگهان کشتی به خاطر مواجه شدن با نهنگی بزرگ دچار اضطراب گردید و چیزی نمانده بود تا اهل کشتی غرق شوند صاحبان کشتی تصمیم گرفتند تا برای رفع بلا فردی را در دریا افکنند و چون قرعه کشیدند به نام یونس درآمد، لذا وی را به دریا انداخته و نهنگ با بلعیدن او آنجا را ترک کرد مع الوصف به امر الهی یونس در شکم ماهی زنده ماند و در آن ظلمات به گناه و ترک اولای خود پی برد و از کردار گذشته خود پشیمان شد و با خداوند رابطه عاطفی برقرار کرد و دست به دعا برداشت قرآن در گزارش خود از داستان حضرت یونس (ع) این رابطه عاطفی را چنین توصیف می کند: «وذالنون اذ ذهب مفاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انى كنت من الظالمین» (انبیاء ۸۷) و یونس را بیاد آور آن هنگام که خشمگین و با قهر از میان مردم بیرون رفت و گمان کرد که آسوده شد و ما بر او تنگ نخواهیم گرفت اما همین که در کام نهنگ قرار گرفت متوجه شد که نباید قوم خود را رها می کرد و لازم بود بیشتر شکیبایی می کرد پس در آن تاریکیها ندا داد (رابطه عاطفی برقرار کرد) که خداوند جز تو معبودی نیست تو پاک و منزهی همانا من از ستمکاران بودم این ارتباط عاطفی

با ندامت و تواضع یونس همراه بود لذا خداگرایی وی از طرف خداوند مورد استجاب قرار گرفت در ادامه گزارش قرآن چنین آمده است: «فاستجبنا له و نجیناه من الغم» (همان) پس دعای یونس را اجابت کردیم و وی را از آن غم نجات دادیم در گزارش کتاب الهی نکته مهم این است که این خداگرایی را در زمان بروز مشکلات تنها برای فردی چون یونس در نظر نگرفته بلکه اگر مؤمنان دچار مشکلات گردند و در زمان ناراحتی و اضطراب به درگاه الهی روی آورند خداوند بخاطر خداگرایی آنان، نجات و پیرویشان را ضمانت می کند چنانچه فرمود «و کذلک نجی المؤمنین» (همان) ما اینگونه مؤمنان را نجات می دهیم از اینرو بر اساس این گزارش، عنصر اصلی نجات حضرت یونس خداگرایی وی بوده است چنانچه در گزاره ای دیگر در باره حضرت یونس (ع) چنین آمده است: «فلولا انه کان من المسبحین للبت فی بطنه الی بوم یبعثون» (صافات ۱۴۳ و ۱۴۴) اگر نبود که او از تسبیح کنندگان به شمار می رفت هر آینه تا روز قیامت در شکم ماهی محبوس می گردید با این تصویر از خداگرایی، رهبران و نیروهای مؤمن سازمانی با تاسی از پیامبران الهی در خداگرایی، به هنگام بروز مشکلات می توانند نجات و پیروزی خود و سازمان را تضمین سازند

۴. ارتباط رهبر با خدا در قالب درخواست نفرین به نیروهای طاغی

الگوی خداگرایی حضرت نوح (ع)

داستان حضرت نوح (ع) در دوازده سوره قرآن بیان شده است، آن حضرت، پس از ۹۵۰ سال تبلیغ و آن همه صبر و تحمل در مسیر دعوت به توحید، نهایتاً قومش او را تکذیب کرده و جز عده کمی (فقط هشتاد نفر) به او ایمان نیاوردند سرانجام پس از یاس از ایمان مردم که آن را خداوند به وی خبر داد آنجا که فرمود: «لن یؤمن من قومک الا من قد آمن» (هود ۳۸) ای نوح جز آن کسانی که به تو ایمان آورده اند هرگز کس دیگری ایمان نخواهد آورد، با خدای خویش رابطه عاطفی برقرار کرده، دست به دعا برداشت و به آنان نفرین کرد که «فدعا ربه انی مغلوب فانتصر» (قمر ۱۰) خداوند من مغلوب هستم پس مرا یاری فرما، درخواست نوح ظاهراً اشاره به نفرینی است که آن حضرت در باره قومش انجام داده است آنجا که عرضه می دارد که «رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا» (نوح ۲۶) خدایا احدی از این قوم بی ایمان را روی زمین مگذار؛ حضرت نوح بعد از این درخواست (نفرین) استدلال خود را چنین بیان می دارد: «انک ان تذرهم یضلوا عبادک ولا یلدوا الا فاجرا کفارا» چرا که اگر بمانند، بندگان تو را گمراه می کنند و نسل آینده آنها نیز جز کافر و فاجر نخواهد بود همچنانکه مشاهده می شود حضرت نوح بعد از ناامیدی از ایمان مردم، دست به دعا برداشته و رابطه عاطفی خود را با خالق هستی به منصف ظهور می رساند قرآن در این زمینه می فرماید: «و نوحا اذ نادى من قبل فاستجبنا له فنجیناه و اهله من الکرب العظیم» (انبیاء ۷۶) و بیاد آور ماجرای نوح را از پیش از ابراهیم و لوط، آن زمان که پروردگار خویش را ندا کرد (و رابطه عاطفی برقرار ساخت) پس خواسته او را اجابت کردیم و او و خاندانش را از آن اندوه و بلای بزرگ نجات دادیم از سیاق این گزاره استفاده می شود که رهبر الهی زمانی که با دلی محزون و با گرایش به خدا، رابطه عاطفی اش را با خدا ایجاد کرده و خداگرایی را مد نظر قرار می دهد خداوند نیز پاسخ داده و دعای وی را مستجاب می کند، بدیهی است که اگر مدیران و نیروهای سازمان بتوانند در مسیر خداگرایی قرار گرفته و زمان بحران رابطه عاطفی خویش را با خدا برقرار سازند، خداوند نیز پاسخ آنان را داده و نصرت و پیروزی به آنان عطا خواهد نمود همچنانکه حضرت نوح از این موهبت برخوردار گردید قرآن بعد از رابطه عاطفی نوح، وی را نجات داده و پیروزی را نصیب وی می سازد چنانچه در این زمینه می فرماید «و نصرناه من القوم الذین کذبوا بآیاتنا انهم کان قوم سوء فاعرقناهم اجمعین» (انبیاء ۷۷) ما او را پیروز کردیم به قومی که آیات ما را تکذیب کردند آنها قوم بدی بودند پس تمام آنها را غرق کردیم

ب - آخرت گرایی

یکی دیگر از عناصر عاطفه توحیدی آخرت گرایی است؛ آخرت گرایی در بردارنده گرایش و میل به آخرت با خوف و خشیت از سختیها و شرور روز قیامت از سوئی و شوق به پاداش و بهشت از طرف دیگر است؛ بنابر این، در آخرت گرایی، رهبران الهی از سوئی پیروان را به شوق پاداش، تبشیر نموده و از سوی دیگر با خوف و خشیت از سختیها و شرور روز واپسین، از خطرات مسیر بیم داده و همواره آنان را انداز می کنند (نساء ۱۶۵،)

نمادها و شاخصهای مهم آخرت گرایی

۱. خوف و خشیت الهی

الگوی آخرت گرایی حضرت موسی(ع) و حضرت هارون(ع)

از جمله رهبران الهی که خشیت الهی را در دل خود نهان ساخته و از روز جزا هراسان بودند حضرت موسی(ع) و برادرش حضرت هارون(ع) بود در گزارش قرآن در باره این دو پیامبر الهی چنین آمده است: «الذین یخشون ربهم بالغیب» (انبیاء ۴۹) آنها کسانی هستند که از پروردگارشان در غیب و نهان می ترسند قرآن در ادامه می فرماید: «و هم من الساعه مشفقون» (همان) آنان از روز رستاخیز بیم دارند در تحلیل این گزاره می توان به دو واژه «خشیت» و «اشفاق» توجه کرد، چه اینکه آنان نسبت به خدا خشیت و نسبت به آخرت اشفاق دارند، این دو واژه گرچه هر دو به معنای ترس است با این تفاوت که خشیت در جایی گفته می شود که ترس آمیخته با احترام و تعظیم باشد، همانند ترسی که یک فرزند از پدر بزرگوارش دارد؛ از اینرو، پرهیزگاری همچون موسی و هارون ترسشان از خدا توام با معرفت و احترام است اما واژه اشفاق به معنای توجه و علاقه توام با بیم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۲) با این تصویر، پرهیزگاری همچون موسی و هارون به روز قیامت بسیار علاقمندند چون کانون پاداش و رحمت الهی است ولی با این حال از حساب و کتاب خدا نیز بیمناکند با این تصویر آنان آخرت گرایی را در زندگیشان به نمایش می گذارند رهبران سازمانی نیز بایسته است با تاسی از این دو پیامبر الهی در مرحله نخست خود به زیور آخرت گرایی آراسته گردیده و سپس نیروهای سازمان را به سوی آن رهنمون شوند

۲. اعلان صریح موضع خود در قبال روش منکران آخرتی

الگوی آخرت گرایی حضرت یوسف(ع)

حضرت یوسف(ع) از جمله رهبران بزرگ الهی است که نام مبارکش ۲۷ مرتبه (۲۵ مرتبه در سوره یوسف) در قرآن آمده است جالب این است که داستان زندگی حضرت یوسف فقط در سوره یوسف آمده است در حالی که داستان بقیه انبیاء الهی در سوره های متفاوت بیان گردیده است تفاوت دیگر این است که قرآن در داستان یوسف بیشتر به شخصیت وی در گذر از کوران حوادث می پردازد در حالی که در داستان پیامبران دیگر بیشتر به سرنوشت مخالفان و لجاجت و هلاکت آنان اشاره نموده است؛ در گزارش قرآن به شخصیت فرهیخته و عفیف و پاکدامنی او تصریح شده و علیرغم اینکه تمامی امکانات برای پیش مهیا بوده تا هرچه می تواند غرق در شهوات گردد، لکن مسیر خداگرایی و آخرت گرایی و ترس از عذاب آخرت وی را حفظ کرده و از هوسهای دنیوی گذشته و پارا بر هواهای نفسانی در اوج جوانی می نهد خداوند نیز بخاطر آخرت گرایی و عفت و پاکدامنی وی به آن حضرت، پاداش داده و علم تعبیر خواب را به وی تعلیم داده است، (یوسف، ۳۷) پس آن حضرت علت این موهبت الهی را آخرت گرایی خود و رها سازی آیین کافران قیامت برمی شمارد قرآن از زبان آن حضرت چنین گزارش می دهد: «انی ترکت مله قوم لایؤمنون بالله و هم بالآخره هم کافرون» (همان) همانا من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند و به قیامت کفر می ورزند رها کرده ام از این گزاره استفاده می شود که مسیر حضرت یوسف(ع) مسیر منکران و کافران خداگرایی و آخرت گرایی نیست بل سیره او سیره انبیاء الهی است چنانچه عرضه داشت که: «واتبع مله آبائی ابراهیم و اسحاق و یعقوب...» (همان ۳۸) من آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی کرده ام جالب این است که در گزارش قرآن این روش و سیره از زبان حضرت یوسف(ع) به عنوان فضل خداوند بر رهبران الهی و همه مردم دانسته شده است چنانچه آمده است «ماکان لنا ان تشرک بالله من شئی ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکن اکثر الناس لایشکرون» (همان) برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خداوند قرار دهیم این از فضل خدا بر ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند مدیران و نیروهای سازمان نیز لازم است با تبعیت از سیره انبیاء الهی در مسیر خداگرایی و آخرت گرایی قرار گرفته تا در نتیجه مشمول فضل الهی گردند،

۳. بیم و امید

الگوی آخرت‌گرایی خاندان نبوت

از سیاق برخی گزاره‌های قرآنی استفاده می‌شود که آخرت‌گرایی عامل مهم در فعالیت‌های رهبران توحیدی است خداوند زمانی که سخن از وفای به نذر خاندان نبوت در سوره انسان می‌کند ترس و خوف آنان را از شرور روز قیامت به پیش کشیده و می‌فرماید: «یوفون بالندر و یخافون یوما کان شره مستطیرا» (انسان ۸) آنان به نذر وفا می‌کنند و از روزی که شرش فراگیر است می‌ترسند جالب این است که فعالیت‌های رهبران الهی با آخرت‌گرایی آنان گره خورده و ترس از خدا در روز عبوس (روز قیامت) علت اصلی در انجام کار دانسته می‌شود چنانچه در قرآن آمده است: «انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطیرا» (انسان ۱۰) همانا ما از پروردگارانمان به خاطر روزی عبوس و سخت می‌ترسیم منظور از خوف از خدا در اینجا خوف از مقام اوست همانطور که در گزاره‌ای دیگر چنین آمده است «و لمن خاف مقام ربه جنتان» (الرحمن، ۴۶) برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ بهشتی است بنابر این، ترس از روز واپسین عامل مهم در کار و عمل صالح تلقی شده و باعث تحریض و انگیزش رهبران و نیروهای سازمانی خواهد شد خاطر نشان می‌شود که آخرت‌گرایی علاوه بر ایجاد خوف در نیروها می‌تواند شوق و امید را به سازمان تزریق نموده و جو سازمانی را با پویایی همراه سازد همچنانکه در تعبیر قرآن، از شخصیت‌هایی نام برده می‌شود که دارای ویژگی‌های خاص ایمانی هستند آنان مردان بزرگی هستند که نه تجارت، آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات باز می‌دارد و نه خرید و فروش؛ آنان از روزی می‌ترسند که دلها و دیده‌ها در آن دگرگون و زیر و رو می‌شود (نور، ۳۷) در خانه‌های آنان هر صبح و شام تسبیح خدا انجام می‌شود (همان ۳۶) وبالطبع آثار معنوی ساطع شده از تسبیح خدا و آخرت‌گرایی آنها در سازمان و مراکز کارشان نمایان خواهد شد، از اینرو، آخرت‌گرایی به عنوان عنصری عاطفی می‌تواند سازمان را همانند خانه‌هایی به تصویر کشد که رهبران و نیروهای سازمانی نور هدایت را در آن منور ساخته تا مصداق «فی بیوت اذن الله ان ترفع» (نور هدایت در خانه‌هایی است که خداوند اذن داده رفعت یابند) قرار گیرد با توجه به این تحلیل، مدیران و رهبران و نیز نیروهای سازمانی می‌توانند با آخرت‌گرایی در رفعت معنوی و مطرح شدن سازمان خود مؤثر باشند

۴. امید و شوق به پاداش (بهشت)

یکی از شاخص‌های مهم آخرت‌گرایی امید به پاداش و شوق به بهشت است که رهبران الهی با تبشیر در نیروها ایجاد شوق کرده و آنان را در مسیر آخرت‌گرایی تحریض می‌کنند خداوند در قرآن کریم با تصریح به تجارت پرسود برای مؤمنان و جهادگران، آخرت‌گرایی با عمل مجاهدانه در آنان را عامل مهم دستیابی به پاداش می‌داند چنانچه می‌فرماید: «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة» (توبه، ۱۱۱) همانا خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را به بهای بهشت خریده است این تجارت پرسود مزایده‌ای مطلوب از طرف خداوند به بهای آخرت‌گرایی و ایثار مال و جان یا شهادت مؤمنان است که در کتب آسمانی به مؤمنان وعده داده شده و خداوند آن را بر خود فرض دانسته و تضمین کرده است (همان) خداوند افزون بر اینکه خود به مؤمنان بشارت اعطای پاداش را می‌دهد، پیامبران و سفیرانی را به عنوان بشیر و مبشر به سوی مردم روانه کرده و با تبشیر در آنان، آخرت‌گرایی را نهادینه می‌کند

پاداش خداگرایی و آخرت‌گرایی ابرار

خداگرایی و آخرت‌گرایی دارای منافع زیادی برای رهبران و پیروان است؛ بدین معنا که اگر رهبران و نیروهای آنان در این مسیر دست به انجام فعالیت‌ها زده و مخلصانه کارها را انجام دهند از منافع و پاداش‌های مادی و معنوی برخوردار خواهند شد؛ خداوند در گزاره‌های فراوانی برای تحریک و تهییج عواطف مردم به سوی خداگرایی و آخرت‌گرایی سخن از بشارت، پاداشها و انگیزه‌های مادی و معنوی می‌کند تا آنان به سوی بندگی و عبودیت سوق پیدا کنند چنانچه دیده می‌شود خداوند در سوره انسان زمانی که سخن از ابرار (حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین (ع)) به میان می‌آورد بعد از بیان وفای به نذر توسط خاندان عصمت و طهارت (ع)، خداگرایی و آخرت‌گرایی آنان در اطعام بدون پاداش و تنها لوجه الله و برای رضایت الهی را به تصویر کشیده و از زبان آنان اظهار می‌دارد: «انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطیرا» (انسان ۱۰) ما

از پروردگاران بخاطر روزی عبوس و سخت می ترسیم بدیهی است که خداگرایی و آخرت گرایی خاندان امامت، آنان را به ابرار ملقب ساخته و به درجات و پادشاهی مادی و معنوی در نزد خداوند نایل نمود در گزاره های دینی پادشاهی ابرار به قدری زیبا و دلربا به تصویر کشیده می شود که خودبخود باعث تهییج عواطف گردیده و این همه از نتایج خداگرایی و آخرت گرایی دانسته شده و مآلا افراد را به سوی خداوند سوق می دهد در جدول شماره ۱، آیات مرتبط با خداگرایی و آخرت گرایی ابرار به تصویر کشیده شده است

جدول شماره ۱ خداگرایی و آخرت گرایی ابرار

شماره گزاره	متن گزاره اسلامی	مضمون گزاره
گزاره اول (انسان، ۵)	«یشربون من کاس کان مزاجها کافورا»	ابرار از پیمانان ای می نوشند که با گیاه خوشبوی کافور آمیخته شده است
گزاره دوم (انسان، ۶)	«عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا»	چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و هرگونه بخواهند آن را جاری می سازند
گزاره سوم (انسان، ۱۱)	«فوقاهم الله شر ذلک الیوم ولقاهم نضره و سرورا»	پس خداوند آنان را از شر آن روز (قیامت) مصون دارد و آنان را با شادی و سروری بس بزرگ روبرو سازد
گزاره چهارم (همان، ۱۲)	«وجزاهم بما صبروا جنة و حریرا»	و به سبب صبری که کردند بهشتی بزرگ و پوششی از حریر پادشاهان دهد
گزاره پنجم (همان، ۱۳)	«متکئین فیها علی الاراک لایرون فیها شمسا و لا زمهریرا»	در حالی که در بهشت بر تختها تکیه زده اند در آنجا نه آفتابی و نه سرمایی ببینند
گزاره ششم (همان، ۱۴)	«ودانیه علیها ظلالها و ذللت قطوفها تذلیلا»	سایه های درختان بر سرشان نزدیک و خوشه های میوه در دسترسشان است
گزاره هفتم (همان، ۱۵)	«ویطاف علیهم بانیه من فضه و اکواب کانت قواریرا»	بر دور آنان ظرفهای نقره فام و تنگ های بلورین گردانده شود
گزاره هشتم (همان، ۱۶)	«قواریرا من فضه قدروها تقدیرا»	بلورهایی از نقره که در اندازه های معین اندازه گیری کرده اند
گزاره نهم (همان، ۱۷)	«ویسقون فیها کاسا کان مزاجها زنجبیلا»	در آن بهشت جامی نوشانده می شوند که با زنجبیل آمیخته است
گزاره دهم (همان، ۱۸)	«عینا فیها تسمى سلسبیلا»	چشمه ی در آنجاست که سلسبیل نامیده می شود
گزاره یازدهم (همان، ۱۹)	«ویطوف علیهم ولدان مخلدون اذا رایتهم حسبتهم لؤلؤا منتورا»	و پسرانی همیشه جوان به خدمت بر آنان می گردند هرگاه آنان را بینی پنداری مرواریدهای غلطان و پراکنده اند
گزاره دوازدهم (همان، ۲۰)	«و اذا رایت ثم رایت نعیمما و ملکا کبیرا»	چون آنجا را بنگری نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ می بینی
گزاره سیزدهم (همان، ۲۱)	«عالیهیم ثیاب سندس خضر و استبرق و حلوا اساور من فضه و سقاهم ربهم شرابا طهورا»	بر اندامشان جامه های سبز از دیبای نازک و ضخیم است و با دستواره های نقره زینت شده اند و پروردگارش شرابی طهور به آنان می نوشاند
گزاره چهاردهم (همان، ۲۲)	«ان هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورا»	همانا این پاداش و جزایی برای شما و سعیتان مشکور و مورد سپاس است

نتیجه:

همچنانکه از گزاره های فوق برداشت می شود خداوند برای عمل مخلصانه خاندان نبوت که توأم با خداگرایی و آخرت گرایی بوده است پادشاهای متفاوت و متنوع در نظر گرفته است و آخرین پاداش آنان تشکر خداوند از آنهاست، این بدان جهت است که از افراد اطعام شده پاداش و تشکری مطالبه نکردند خاطر نشان می گردد که افزون بر پادشاهای مزبور، خداوند بخاطر این صفات، آنان را به ابرار و بندگی ملقب نموده و بدین سان آنان به عبودیت خدا مزین می شوند از اینرو رهبران می توانند از مسیر خداگرایی و آخرت گرایی به بندگی خدا دست یافته و نیروها را به عبودیت سوق دهند

ج - تکلیف گرایی (تعهد گرایی)

یکی دیگر از عناصر مهم عاطفه توحیدی، تکلیف گرایی است تکلیف گرایی در اینجا به معنای تعهد زیاد عبد به انجام تکلیف شرعی الهی است در اندیشه دینی آن قوانینی که از سوی خدا برای بشر وضع می شود و در آنها امر و نهی الهی است تکلیف خوانده می شود (شفیعی ۱۳۹۱ ص ۱۰۹) با توجه به این مفهوم، در تکلیف گرایی، رهبران الهی در صدد اجرای امر و نهی الهی بوده و بر این امر تاکید می کنند که «بینیم خدا چه فرموده است چی گفته است» (امام خمینی، ج ۱۹ ص ۲۰۳) در این رویکرد آنچه مهم تلقی می شود عمل به تکلیف است (همان ج ۱۵ ص ۷۰)

نمادها و شاخصهای تکلیف گرایی

۱. پافشاری بر تکلیف

رهبران الهی در تکلیف گرایی ابتدا خود به تکلیف شرعی پایبند بوده و بر آن اصرار داشته و سپس مردم را به آن تحریض می کنند در این رویکرد، «عمل به تکلیف» مدار فعالیتها بوده و دغدغه رهبران الهی، انجام وظیفه شرعی است (امام خمینی، ج ۱۵ ص ۷۰) اگر همه آنان، با این هدف و مقصد مشترک، در یک منطقه جمع می شدند با هم اختلاف یا مناقشه نمی کردند؛ چه اینکه، همه برای خدا و به منظور تحقق مقصد مشترک فعالیت می کردند و در این مسیر همه موظف به انجام تکلیف شرعی بودند انبیاء اینطور بودند، اولیای خدا اینطور بودند کار برای خداست به دست شما انجام بگیرد گرفته است...در دست دیگری، گرفته است (همان، ج ۱۸ ص ۳۱۰)

۲. حریص بودن رهبر بر هدایت نیروها

در تکلیف گرایی، رهبران الهی حریص بر هدایت پیروان خویشند (توبه ۱۲۸) این موضوع در باره رهبرانی همچون رسول خدا (ص) مصداق دارد؛ چه اینکه آن حضرت با تعهد زیاد حتی در این مسیر شوق شدید به هدایت نیروها داشته و خود را به زحمت انداخته به گونه ای که خداوند به وی توصیه می کند که خویش را به زحمت نیاندازد (طه، ۲) پیامبر اکرم (ص) به خاطر عشق و سوز و تعهد در انجام وظیفه بی تاب می شد تا جایی که در انجام تکلیف پاهای حضرت متورم و رنگ مبارکش زرد شده بود (قرآنی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱)

۳. رؤوف بودن رهبر نسبت به نیروها

رهبران تکلیف گرا در مسیر انجام تکلیف شرعی برای اینکه بتوانند در قلوب مردم نفوذ نموده و نور هدایت را در قلوب آنان بتابانند نسبت به نیروها محبت نموده و با تواضع و فروتنی در مقابل آنان رؤوف و مهربانند (توبه، ۱۲۸)

۴. اظهار ناراحتی عاطفی نسبت به غمها و مشکلات نیروها

در تکلیف گرایی، رهبران الهی در مقابل غمهای مردم ناراحت گردیده و نسبت به مشکلات آنان حساس بودند و این مهم در تکلیف گرایی آنان باعث آشنایی با مشکلات و مصائب مردم شده و همین دلسوزی و غمخواری و رحمت و محبت علت گرایش مردم به رهبران توحیدی بوده است (آل عمران ۱۵۹) پیامبر رحمت در مسیر تکلیف گرایی چنان خود را به زحمت می انداخت که نزدیک بود قالب تهی کند

پیامبر اسلام نمونه ای روشن از رهبری تکلیف گرا

گزاره های متعددی در قرآن به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر شایستگیهای پیامبر اعظم تاکید کرده و وی را رهبری تکلیف گرا و رؤوف معرفی می کند؛ تکلیف گرایی آن حضرت دارای ویژگی منحصر بفردی است؛ چه اینکه، آن حضرت از یک سو در

صدد تحقیق بخشی به وظیفه شرعی و الهی و مطیع اوامر و نواهی خداوند بوده و از سوی دیگر نسبت به کفار سخت و شدید و نسبت به مؤمنین مهربان و دارای تعهدی بسیار بالا بوده (فتح، ۲۹) و از رنج آنان ناراحت و مکدر می شد، آن حضرت دستور داشت که نسبت به مؤمنان محبت داشته و با آنان رابطه عاطفی برقرار سازد قرآن در این زمینه می فرماید: «واخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء ۳۱۵) نسبت به پیروانت بال فروتنی فرود آر (و مهربان باش) بدیهی است که نرم خویی و محبت پیامبر نسبت به مؤمنان حاکی از شخصیت والا و اخلاقی ایشان بوده است، چنانچه این ویژگی حضرت مورد تایید قرآن قرار گرفته است (قلم، ۴) تکلیف گرایی شدید و تعهد بالای وی نسبت به انجام وظیفه و ناراحت و مکدر شدن ایشان زمانی که ناراحتی را در چهره پیروان می بیند، از آن حضرت چهره ای رؤوف و با محبت به نمایش می گذارد حتی سخت گیرها و خشونت های ظاهری ایشان بدان جهت بوده که ایشان علاقه زیادی به هدایت و تکامل مردم داشته است لذا قرآن روی سخن را به مردم کرده و می فرماید: «لقد جانکم رسول من انفسکم» (توبه، ۱۲۸) پیامبری از خودتان بسوی شما آمد شاید دلیل اینکه به جای «منکم» از واژه «انفسکم» استفاده شده این باشد که پیامبر رؤوف با مردم ارتباط عاطفی شدیدی داشت گوئی پاره ای از جان مردم و از روح جامعه در شکل پیامبر ظاهر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ص ۲۵۸) به همین دلیل تمام دردهای آنان را می دانست، از مشکلات آنان آگاه بوده در ناراحتی ها و غمها و اندوهها با آنان شریک بود در گزارش قرآن به صفات ممتاز رسول گرامی اسلام برمی خوریم که در تحریک عواطف مردم و جلب احساساتشان اثر عمیق داشته و نشانگر تکلیف گرایی آن حضرت نسبت به هدایت و تربیت مردم است ما در این قسمت با بیان گزاره های دینی، به این صفات اشاره می کنیم:

۱- گزاره اول (توبه ۱۲۸) «عزیز علیه ما عنتم» هرگونه ناراحتی و ضرر و زیانی به شما برسد برای پیامبر اسلام سخت ناراحت کننده است

۲- گزاره دوم (توبه ۱۲۸) «حریص علیکم» او سخت و بسیار زیاد به هدایت شما علاقمند است و به آن عشق می ورزد؛

۳- گزاره سوم (توبه ۱۲۸) «بالمؤمنین رؤوف رحیم» نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است بدین معنا که نسبت به فرمانبران رؤوف و مهربان و نسبت به گناهکاران رحیم بوده و با رحمت برخورد می کند بدیهی است که این دو ویژگی یعنی «رؤوف» و «رحیم» از اسامی خداوند بزرگ است که تنها پیامبر اسلام بدان توصیف شده است، توصیف حضرت به این صفات، نشان دهنده تکلیف گرایی و تعهد بالا و شوق و علاقه وافر ایشان به هدایت و سعادت مردم است

۴- گزاره چهارم (قلم، ۴) «انک لعلی خلق عظیم» و در حقیقت تو به نیکو خلقی آراسته ای بر اساس این گزاره شخصیت پیامبر اسلام بسیار والا و عظیم است که مورد ستایش و تعظیم حق تعالی قرار می گیرد

۵- گزاره پنجم (احزاب ۲۱) «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا» قطعاً برای شما در (اقتداء به) رسول خدا (ص) سرمشق نیکویی است برای آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان داشته و امیدوار باشد و خدا را فراوان یاد کند؛ اکنون با این صفات برجسته، مشاهده می شود که خداوند ایشان را به عنوان الگو برای مؤمنانی معرفی می کند که خداگرایی و آخرت گرایی را در کارنامه خود به ثبت رسانده اند در جدول زیر صفات برجسته پیامبر رحمت با عنایت به تکلیف گرایی آن حضرت به تصویر کشیده شده است در جدول زیر صفات برجسته پیامبر رحمت با عنایت به تکلیف گرایی آن حضرت به تصویر کشیده شده است

جدول شماره ۲ صفات پیامبر رحمت (ص) در تکلیف گرایی

شماره گزاره	متن گزاره اسلامی	مضمون گزاره
گزاره اول (توبه ۱۲۸)	« عزیز علیه ما عنتم » هرگونه ناراحتی و ضرر و زیانی به شما برسد برای پیامبر اسلام سخت ناراحت کننده است	پیامبر اسلام از نظر عاطفی نسبت به ناراحتی مردم بسیار حساس بود
گزاره دوم (توبه ۱۲۸)	« حریص علیکم » او سخت و بسیار زیاد به هدایت شما علاقمند است و به آن عشق می ورزد؛	پیامبر اسلام به هدایت مردم عشق می ورزید
گزاره سوم (توبه ۱۲۸)	« بالمؤمنین رؤوف رحیم » نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است	پیامبر اسلام نسبت به مردم رؤوف و مهربان بود
گزاره چهارم (قلم، ۴)	« انک لعلی خلق عظیم » و در حقیقت تو به نیکو خلقی آراسته ای	دارای اخلاق و شخصیتی عظیم بود
گزاره پنجم (احزاب ۲۱)	« لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیرا » قطعا برای شما در (اقتداء به) رسول خدا (ص) سرمشق نیکویی است	الگوی نیکو برای مردم بود

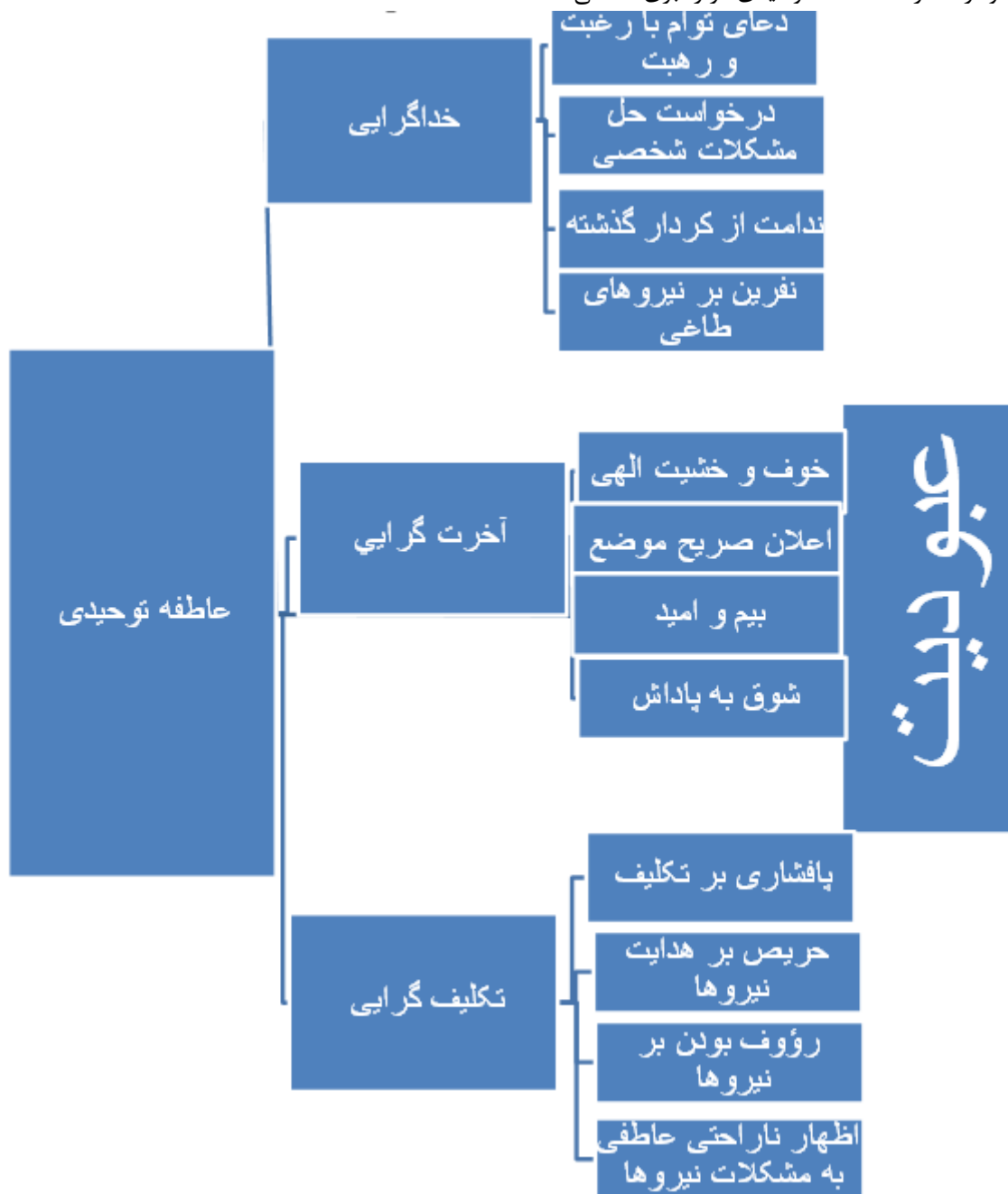
همچنانکه دیده می شود یکی از عناصر مهم عاطفه توحیدی، تکلیف گرایی است که دارای نمادهای مرتبط است و رسول گرامی اسلام به عنوان الگوی مورد نظر دارای صفاتی برجسته بوده و بالطبع بروز عینی نمادهای عاطفی در تکلیف گرایی است نمادهای عاطفه توحیدی که مستخرج از یافته های این تحقیق است با استفاده از آیات الهی در قالب مضامین اصلی تدوین و ارائه شده که با توجه به هدف تحقیق، مضامین فراگیر و سازمان دهنده و نیز شاخصه های بعد عاطفه توحیدی در جدول شماره ۳ به نمایش در آمده است

جدول ۳ مضامین اصلی عاطفه توحیدی

هدف تحقیق	مضامین فراگیر (ابعاد)	مضامین سازمان دهنده	مضامین اصلی (شاخصها)	الگوهایی از رهبران دینی	
الگوی رهبری اسلامی	عاطفه توحیدی	خداگرایی	دعای توام با رغبت و رهبت	ح حضرت ذکریا (ع)	
			درخواست حل مشکلات شخصی	حضرت ایوب (ع)،	
			ندامت از کردار گذشته	حضرت یونس (ع)	
		آخرت گرایی	دعای نفرین بر نیروهای طاغی	حضرت نوح (ع)	
			خوف و خشیت الهی	موسی، هارون علیهم السلام	
			اعلان صریح موضع در آخرت گرایی	یوسف (ع)	
	تکلیف گرایی		بیم و امید (ترس و شوق)	امید و شوق به پاداش	خاندان نبوت علیهم السلام
				پافشاری بر تکلیف	پیامبر رحمت حضرت محمد (ص)
			حریص بر هدایت نیروها		
			رؤوف بودن رهبر با نیروها		
			اظهار ناراحتی عاطفی نسبت به مشکلات نیروها		

ازاینرو، اگر مدیران در جایگاه رهبری بتوانند از عاطفه توحیدی برخوردار شده و در جهت خداگرایی و آخرت گرایی گام برداشته، و بدین سان به عبودیت رسیده (ص، ۱۷ و ۴۱، مریم ۳ و ۲) و سپس پیروان را به رابطه عاطفی با خدا دعوت نمایند و آنان را نیز به عبودیت و بندگی خدا نزدیک سازند، اعضای سازمان بندگان صالحی خواهند شد که می توانند در دستیابی به تمامی عرصه ها به موفقیت دست یابند (انبیاء ۱۰۵ و ۱۰۶) این موفقیت در گرو ایمان و عمل صالح نیروهای سازمانی است و در صحنه عمل، آثار و برکات آن مکتوب و پایدار می ماند (انبیاء ۹۴)؛ بدین سان، عبودیت و بندگی خدا جو و فرهنگ سازمان را روشنی بخشیده و سازمان را سازمانی الهی می سازد نمودار زیر عاطفه توحیدی را در رهبری اسلامی نشان می دهد

نمودار شماره ۱ عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی



اعتبارسنجی نمادهای عاطفه توحیدی

نتایج حاصل از مطالعات نشان می دهد که نمادهای عاطفه توحیدی در عنصر خداگرایی در بردارنده رغبت و رهبت، ندامت از کردار گذشته، درخواست حل مشکلات، درخواست نفرین بر نیروهای طاغی و در عنصر آخرت گرایی مشتمل بر خوف و خشیت، اعلان صریح موضع، بیم و امید و شوق و پاداش و در عنصر تکلیف گرایی در بردارنده پافشاری بر تکلیف، حریص بر هدایت نیروها، رؤوف بودن رهبر است نتایج نظر سنجی از خبرگان نشان می دهد که نمادهای مزبور مورد تایید آنان می باشد میانگین نظرات خبرگان با استفاده از فرمول ریاضی زیر محاسبه شده و نتایج آن در جدول شماره ۴ گزارش گردیده است

$$X=x.1+x.2+x.3+x.4+x.5:20$$

جدول ۴ نظر خبرگان در نمادهای عاطفه توحیدی

نمادها ردیف	رغبت و رهبت	ندامت از کردار گذشته	درخواست حل مشکلات	درخواست نفرین بر طاغیان	خوف و خشیت	اعلان صریح موضع	بیم و امید	شوق و پاداش	پافشاری بر تکلیف	حریص بر هدایت نیروها	رؤوف بودن رهبر
۱	۵	۵	۵	۵	۵	۳	۵	۵	۵	۵	۵
۲	۵	۴	۵	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴
۳	۵	۴	۵	۵	۵	۲	۳	۵	۳	۵	۵
۴	۴	۴	۵	۴	۴	۲	۵	۴	۵	۴	۵
۵	۵	۵	۵	۵	۴	۲	۴	۵	۴	۵	۵
۶	۵	۵	۴	۴	۵	۲	۵	۴	۵	۵	۵
۷	۵	۴	۴	۵	۴	۲	۴	۵	۴	۴	۵
۸	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۵	۴	۵
۹	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۳	۵
۱۰	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۳	۳	۵
۱۱	۵	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۳	۵
۱۲	۵	۵	۴	۴	۵	۴	۵	۴	۴	۳	۵
۱۳	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۴	۲	۴
۱۴	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۴	۳	۲	۳
۱۵	۴	۲	۱	۳	۵	۵	۵	۵	۴	۲	۳
۱۶	۴	۲	۴	۲	۲	۵	۵	۴	۳	۲	۴
۱۷	۴	۲	۴	۲	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴
۱۸	۳	۱	۴	۲	۵	۵	۵	۴	۴	۴	۴
۱۹	۲	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۳	۴	۴
۲۰	۱	۴	۱	۴	۵	۵	۵	۳	۲	۴	۴
میانگین	۴/۳	۳/۹۵	۴/۰۵	۲/۷۵	۴/۵	۳/۷۵	۴/۵۵	۴/۴	۳/۸۵	۳/۶۵	۴/۳۵

نتیجه گیری

با تحلیل گزاره های مرتبط با عاطفه توحیدی و با توجه به استخراج مضامین مرتبط، پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر اینکه عاطفه توحیدی در رهبری اسلامی چیست؟ مشخص می شود؛ بر این اساس، عاطفه توحیدی دارای عناصری همچون خداگرایی، آخرت گرایی و تکلیف گرایی است؛ که هرکدام از آنها دارای شاخصها و نمادهایی است بدیهی است که این نمادها به عنوان نمادهای عاطفه توحیدی در اعتبار سنجی خبرگان تایید شده اند. یافته های تحقیق نشان می دهد که اگر مدیران و رهبران مؤمن با تاسی از رهبران الهی با خداوند رابطه عاطفی برقرار سازند و در این مسیر حرکت کرده و نیروهای خود را به تعالی سوق دهند مشکلات و چالشهای سازمانی آنان حل گشته و نجات می یابند از سوی دیگر آنان در تکلیف گرایی با تاسی از رهبران الهی بویژه رسول خدا (ص) بایسته است که نسبت به انجام تکلیف الهی در قبال نیروها، احساس مسؤلیت کرده و در مسیر هدایت و رشد آنان تلاش مضاعف کنند؛ افزون بر این، رهبران باید غمخوار نیروها بوده و در سختیها و گرفتاریها با نیروها همدل و همراه باشند بدیهی است که رهبران در این مسیر لازم است به خیرخواهی، دلسوزی، مهربانی، بی توقعی و تواضع نسبت به نیروها توجه جدی نمایند

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن فارس، احمد بن فارس بن ذکریا، معجم مقاییس اللغه، دارالاسلامیه ۱۴۱۰ ق
۴. امام خمینی (ره)، روح الله، صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۵. الخویی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، تقریر السید محمد سرور الواعد الحسینی، قم، مکتب الداوری ۱۴۰۹
۶. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المکتبه المرتضویه (بی تا)
۷. شفیعی، عباس، الگوی رهبری امام خمینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۳۹۱.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لایحضره الفقیه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن ۱۳۷۵
۱۰. محقق حلی، شیخ نجم الدین، معارج الاصول تحقیق محمد حسین رضوی، قم مؤسسه آل البيت ۱۴۰۳،
۱۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، ۱۳۸۰
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه با همکاری جمعی از نویسندگان، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۲
۱۳. نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم، روشهای تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر ۱۳۷۲

14 . Griffin, Ricky. W., Management, Boston: Houghton Mifflin, 1996

15 Koontz, Harold & Others, Essencials of Management, New York, MC: Grow-Hill, 1990

16 16. Moorhead Gregory & Ricky . w .Grifin organizational behavior Boston: houghton mifflin 2001

17 . Stoner, James & Edward Freeman, Management Englewood Cliffs, Printic-Hall, 1992